

مهمان سردبیر: بزرگ زیباست؟ یا ضروری است؟

گفته می‌شود اگر می‌خواهید میزان تاب‌آوری اقتصاد یک کشور در برابر بحران‌ها و طوفان‌های اقتصادی را بسنجید، ابتدا ببینید تعداد و وضعیت بنگاه‌های بزرگ آن چگونه است. دژهای مستحکم اقتصادی عمدتاً بر شالوده بنگاه‌های بزرگ و سودآور بنا شده‌اند. اپل، جنرال موتورز، هیوندا، سامسونگ و ده‌ها نمونه دیگر، از جمله غول‌های خلق‌کننده اثرات ماندگار در اقتصاد خود هستند که اگر بگوییم این اثرات تا مدت‌های طولانی در آینده نیز پابرجا خواهد بود، گزاره اغراق‌آمیزی تلقی نخواهد شد. بنگاه‌های بزرگ که آن‌ها را موتورهای پیشرفت اقتصادی خوانده‌اند^۱، با داشتن ویژگی‌هایی از جمله برخورداری از پایه دانشی وسیع‌تر، منابع مالی بیشتر و امکان یادگیری درونی گسترده‌تر، به مثابه کانون‌های مهم انتقال دانش و فناوری به سایر بنگاه‌ها و عناصر فعال در شبکه تعاملاتی وسیع یا اصطلاحاً منظومه‌های ارزش، ایفای نقش می‌کنند. بدین ترتیب این بنگاه‌ها ضمن پیشروی قوی در حوزه یادگیری فناورانه، شکلی از یادگیری را که از آن تحت عنوان سرریزهای بین‌المللی دانش یاد می‌شود، نیز رقم می‌زنند.

البته یادگیری فناورانه در تمام این بنگاه‌ها به یک سبک و سیاق رخ نمی‌دهد. پویت^۲ در یک نگاه کلی و با توجه به ویژگی‌های متمایز، منابع و ماهیت فناورانه بنگاه‌های بزرگ، آن‌ها را در دو دسته بنگاه‌های مقیاس‌بر و علم‌محور در نظر می‌گیرد: بنگاه‌های مقیاس‌بر که در آن‌ها مهارت‌های فناورانه به منظور بهره‌برداری از اقتصاد مقیاس، طی زمان بهبود یافته و صنایعی مانند صنایع تولیدکننده مواد خام از جمله شیشه و فولاد، کالاهای مصرفی بادوام و خودرو را در بر می‌گیرد. صنایع الکترونیک و صنایع شیمیایی نیز نمونه‌های بنگاه‌های علم‌محور هستند که در آن‌ها توسعه درون‌زای فناوری و فعالیت‌های تحقیق و توسعه، پیشران اصلی توسعه و یادگیری فناورانه محسوب می‌شود. برای هریک از این دو دسته، روشهای یادگیری متفاوتی وجود دارد و طبعاً دولت باید سیاستهای متفاوتی هم برای تشویق یادگیری فناوری در آنها اتخاذ نماید.

اما به‌رغم اهمیت زیاد بنگاه‌های بزرگ در اقتصاد ملی، حمایت از شکل‌گیری و رشد این بنگاه‌ها و ارتقای یادگیری فناوری در آنها، در فضای اقتصادی ایران، به نظر مغفول مانده است. ایده «بزرگ زیباست»^۳ در سال ۲۰۱۸ در کتابی تحت همین عنوان توسط انتشارات دانشگاه MIT با هدف اسطوره‌زدایی از بنگاه‌های کوچک و متوسط، مجادله‌ای را میان اقتصاددانان برانگیخت. راه حل، شاید روی‌گردانی از بنگاه‌های کوچک و متوسط نباشد؛ بلکه در تجدیدنظر در نوع نگرستن به جایگاه و نقش بنگاه‌ها با اندازه‌های مختلف و اثرات متمایز آنها در توسعه اقتصادی باشد.

آیدا مهاجری

دانش‌آموخته دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس

¹ Friis, C., Paulsson, T., & Karlsson, C. (2002). Entrepreneurship and economic growth: A critical review of empirical and theoretical research: Institutet för tillväxtpolitiska studier (ITPS).

² Pavitt, K. (1984). Sectoral patterns of technical change: towards a taxonomy and a theory. Research policy, 13(6), 343-373.

³ Big is Beautiful